

The Impact of Paying Subsidies to Political Parties in the Islamic Republic of Iran

Pezhman Nematollahi^{*}, Ahmad Bakhshyeshi Ardestani^{}**

Morteza Mahmodi^{*}, Bizhan Nayyeri^{****}**

Abstract

Parties need financial resources for continuous activity. In the Islamic Republic of Iran, the defined ways of paying membership fees and economic activities do not correspond to the activities of the parties, and usually popular help is used, which can expose the parties to affiliation. Put. Another way is to use government resources. In this study, we answered the question: "Can the payment of government subsidies to parties have a positive effect on the development and deepening of party culture?" Based on this question, we hypothesized that "the payment of government subsidies and aid to parties can contribute to the growth and development of parties in the country." The novelty of this research is that it provides a kind of approach for decision makers in the legislature and the Ministry of Interior to help them evaluate the method of allocating subsidies. In this way, whether this method relies on an

* PhD student , Department of Political Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
nasrin8saleh8@gmail.com

** Department of Political Thought and Iran Issues, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author),
ahmadbakhshi0912@gmail.com

*** Department of Iran, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran mor.mahmoodi@iauctb.ac.ir

**** Department of Iran, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, bij.nayeri@iauctb.ac.ir

Date received 17.07.2021, Date of acceptance: 11.10.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

intellectual and theoretical framework that promotes the growth of the party or will guide the affiliation of the parties. In fact, this research is a kind of pathology in terms of nature and descriptive-analytical method has been used in writing it.

Keywords: Political parties, party subsidies, party culture, political development, Islamic Republic

تاثیر پرداخت یارانه به احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

پژمان نعمت الهی*

احمد بخشایش اردستانی**، مرتضی محمودی***، بیژن نیری****

چکیده

احزاب برای فعالیت مستمر احتیاج به منابع مالی دارند. در جمهوری اسلامی ایران راههای پرداخت حق عضویت و فعالیت های اقتصادی تعریف شده، جوابگوی فعالیت های احزاب نمی باشد و معمولاً از کمک های مردمی استفاده می شود که این خود میتواند احزاب را در معرض وابستگی قرار دهد. راه دیگر استفاده از منابع دولتی می باشد. در این پژوهش به این پرسش پاسخ دادیم که: «آیا پرداخت یارانه دولتی به احزاب می تواند در بسط و تعمیق فرهنگ تحزب تاثیر مثبت بگذارد؟» و براساس این سوال، فرضیه خود را چنین قرار دادیم که «پرداخت یارانه و کمک های دولتی به احزاب، می تواند به رشد و توسعه ی احزاب در کشور کمک بنماید». نوآوری این تحقیق آن است که نوعی ارائه رهیافت برای تصمیم سازان در قوه مقننه و وزارت کشور محسوب می شود تا آنها را در ارزیابی روش تخصیص یارانه کمک نماید. بدین نحو که آیا این روش متکی به یک چارچوب فکری و نظری است که باعث رشد تحزب می گردد یا اینکه وابستگی احزاب

* دانشجوی دکتری، گروه اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
nasrin8saleh8@gmail.com

** گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،
تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ahmadbakhshi0912@gmail.com

*** گروه مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
mor.mahmoodi@iauctb.ac.ir

**** گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
bij.nayeri@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

را رهنمون خواهد ساخت. در واقع این پژوهش از لحاظ ماهیت نوعی آسیب شناسی است و در نگارش آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: احزاب سیاسی، یارانه احزاب، فرهنگ تحزب، توسعه سیاسی، جمهوری اسلامی.

۱. مقدمه

در برهه ای از زمان که در آن قرار داریم وجود احزاب سیاسی یکی از ملزومات زندگی مدرن به شمار میرود و جوامعی که فاقد احزاب سیاسی باشند حلقه ی مفقوده ای دارند که معمولاً با هیچ نهاد دیگری تکمیل نمی شود. احزاب حلقه ی واسطه بین مردم و حکومت هستند که وجود آنها باعث رشد، توسعه و پیشرفت جوامع می شود. احزاب را می توان چرخهای محرک ماشین مردم سالاری فرض کرد که بدون آنها حرکت تقریباً غیر ممکن و سخت است. در کشور جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا به امروز شاهد بوجود آمدن احزاب زیادی بوده ایم که هر یک دارای تفکرات سیاسی و عقاید گوناگون بوده اند اما هنوز به معنای واقعی کلمه فرهنگ تحزب در کشور ما نهادینه نشده است و غالب احزابی که تشکیل شده اند از کارکرد واقعی و اصلی خود فاصله زیادی دارند. در جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۲۶ قانون اساسی احزاب می توانند به فعالیت بپردازند و جمهوری اسلامی آنها را به رسمیت می شناسد. برای نهادینه شدن فرهنگ تحزب و نزدیک شدن احزاب به کارکرد واقعی خود بایستی شرایطی ایجاد شود که یکی از این شرایط فراهم شدن زمینه فعالیت دائم احزاب می باشد. با توجه به کاهش درآمدهای حزبی و افزایش هزینه های رو به فزونی و سرسام آور تبلیغات و زندگی سیاسی احزاب سیاسی، این اندیشه که دولت ها برای پاسداری از سلامت زندگی سیاسی قسمتی از هزینه های حزبی و سیاسی را تحت عنوان یارانه های حزبی متقبل شوند، شکل گرفت و در کشورهای دیگر در حال اجرا می باشد. در نوشتار حاضر سوال اصلی پژوهشگر عبارتست از اینکه: آیا پرداخت یارانه به احزاب می تواند در بسط و تعمیق فرهنگ تحزب مثمر ثمر واقع شود؟ در پاسخ به این سوال که فرضیه پژوهش می باشد، پژوهشگر معتقد است با پرداخت منظم یارانه دولتی به احزاب درکنار دیگر عوامل، زمینه فعالیت دائم احزاب فراهم شده و باعث

نهادینه شدن فرهنگ تحزب می گردد. این پژوهش با گردآوری اطلاعات به شیوه ی کتابخانه ای و به روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به پرسش مزبور می باشد.

۲. مبانی نظری

۱.۲ تعریف حزب سیاسی

در رابطه با دانش احزاب سیاسی و اینکه حزب چه تعریفی دارد نگاه های گوناگونی وجود دارد و هر یک از مکاتب و نظریه های علم سیاست به نحو سعی در تبیین حزب داشته اند. ماکس وبر حزب را «فرزند دموکراسی در غرب» می داند و اغلب اندیشمندان خاستگاه حزب در معنای نوین آن را غربی می دانند. نخستین تعریف های حزب سیاسی مبتنی بر ساختار تشکیلاتی و سازمان احزاب است. میخلز در اثر معروف خود سازمان حزبی را مهمترین عنصر تعریف کننده ی حزب معرفی می کند (میخلز، ۲۳: ۱۹۷۱). موریس دوورژه در این خصوص " بدست آوردن قدرت سیاسی و اعمال آن" را شاخصه ی مهم تشکیلاتی معرفی می کند که نام حزب را بر خود نهاده بودند. (دوورژه، ۱۳۵۸، ص ۲۳) وی در کتاب دیگرش در خصوص احزاب آن را سازمانی می داند که در صدد کسب قدرت هستند و اعضایشان می کوشند رهبرانشان را به مقام های دولتی برسانند (دوورژه، ۱۹۶۸: ۶۷)

در فرهنگ و ادبیات فارسی و عربی کلمه ی حزب به معنای «جماعتی از مردم، سلاح، پیروان و هم مسلکان شخص، بهره و قسمت، یک قسمت از شصت قسمت قرآن» (خلیلی، فرهنگ عربی به فارسی ملخص از المنجر و منتهی الارب، ص ۱۲۲) آمده است. راغب اصفهانی در المفردات در معنای کلمه ی حزب آورده است: «الحزب جماعة فیها غلظ». حزب، گروه و جماعتی هستند که با شور و حماسه از آرمان های مشترک خود دفاع می کنند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۱۵). در این نوشتار برداشت نوین و مدرن از حزب سیاسی مد نظر می باشد.

۲.۲ ضرورت حزب

در افق سیاسی جمهوری اسلامی ایران وجود یک نهاد که ارتباط دهنده بین مردم و حکومت باشد خالی بوده و تاکنون احزاب نتوانسته اند آن جایگاه را پر کنند. برای ایجاد توسعه سیاسی و از آن مهم تر توسعه ی انسانی که دربرگیرنده تمام ابعاد توسعه باشد، نیاز است که فرهنگ تحزب در کشور نهادینه شود.

احزاب سیاسی در غرب در فرایندی طبیعی و در جریانی از پایین به بالا پدید آمدند و از آنجا که ریشه در شکاف های پایدار اجتماعی داشتند، پس از پیدایی از مانایی و پایایی برخوردار شدند. اما در کشور ایران احزاب بصورت طبیعی ایجاد نشدند و اکثر احزابی که بوجود آمدند از بالا به پایین بودند و طبیعتاً کارایی لازم برای پر کردن خلا بین مردم و دولت را نتوانستند بخوبی پر کنند. (ایوبی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵)

مهمترین وظیفه ی حزب سیاسی ایجاد ارتباط بین دولت و ملت و از بین بردن پیکارهای خشن در جامعه است. احزاب سیاسی این کارویژه ی خود را مرهون عوامل مختلفی هستند که از مهم ترین آنها، حاکمیت فرهنگ گفتگو بر جامعه است.

محققان علم سیاست ملازمه ای بین مردم سالاری (دموکراسی) و حزب می بینند. معنای این ملازمه این است که هر جا حکومت قانون و دولت مردم سالار ظاهر شود حزب نیز پدید می آید. حزب و مردم سالاری همزادهای لاینفک هم هستند که صحت و فساد هر یک به سلامت آن دیگری گره خورده است. به نظر بریس: «احزاب اجتناب ناپذیرند. هیچ کشور آزاد بزرگی نیست که فاقد احزاب باشد. هیچ کس نمی تواند تصور کند که حکومت انتخابی بدون احزاب چگونه می توانست کار کند.» (Wolfgang C.Muller and Marthe Narud, Party Governance and Party Democracy, 2003, p.2)

از نظر کلسن نیز: «دموکراسی مدرن کاملاً مبتنی بر احزاب سیاسی است؛ هر چند احزاب بیش تر اهمیت داشته باشد، دموکراسی بیش تر کارآمد می شود» (همان)

مشابه همین دیدگاه ها در اظهارات رهبران و فعالان سیاسی ایران در نظام جمهوری اسلامی نیز دیده می شود. برای مثال، شهید آیت الله بهشتی می گوید:

اگر در جامعه ای حزب و تشکیلات رسمی نباشد، مسلماً در آن جامعه، گروه هایی پیدا می شوند، اطراف هر شخصیتی و هر صاحب نفوذی، افراد گرد می آیند و به جای آنکه احزاب و سازمان های متشکل باشند، باندهای خطرناک فاقد تشکل و مسؤولیت و

تأثیر پرداخت یارانه به احزاب سیاسی در ... (پژمان نعمت‌الهی و دیگران) ۲۲۹

انضباط تشکیلاتی به وجود می‌آیند که خطرشان برای وحدت، چندین درجه بیشتر است. (جاودانه‌ی تاریخ، ج ۶، ص ۱۰۳)

حسین بشیریه معتقد است: «حزب مهمترین سازمان سیاسی در دموکراسی های معاصر است. به نظر بسیاری از صاحب نظران دموکراسی در نهایت چیزی جز رقابت حزبی نیست» (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۳۸۳)

این اشاره ها نشان می دهد که نوعی اجماع مرکب درباره ی ضرورت احزاب سیاسی برای حفظ و توسعه ی حکومت های انتخابی وجود دارد. احزاب سیاسی تنها ابزار عملی هستند که اطمینان می دهند نهادهای دموکراسی در دولت مدرن می توانند به کار خود ادامه دهند. به همین لحاظ است که گفته می شود سخن دموکراسی سخن از حزب و نظام حزبی رقابتی است.

۳.۲ کارکردهای احزاب

شناخت کارکرد های احزاب و بیان آنها با توجه به تفاوت در تعبیرها و منابع حزب پژوهان دشوار مینماید، لیکن می توان تعدادی از کارکردهای حزب را برشمرد که در آنها اتفاق نظر وجود دارد. آن چه در ذیل می آید برگرفته ی همراه با تصرف از پژوهش نسبتا جامع و کاملی است که در مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی از منابع مختلف و متعدد گردآوری شده است :

۱.۳.۲ معرفی نامزد انتخاباتی

مهم ترین رسالت احزاب سیاسی شناسایی و جذب نخبگان جامعه در حکومت و نهادهای سیاسی است و یکی از شناخته شده ترین راهکار آن ها معرفی نامزد برای نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و قوه ی مجریه و نیز رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۲.۳.۲ بسیج انتخاباتی

تشویق شهروندان به حضور در نشست های انتخاباتی و حضور پای صندوق رأی دومین کارویژه ی احزاب سیاسی است. احزاب توده های بی شکل شهری را به شهروندان با خواست های سیاسی معین بدل می کنند.

۳.۳.۲ ساماندهی موضوعات و مواضع

احزاب سیاسی معمولاً بسیج انتخاباتی خود را بر دو تقسیم بندی مهم استوار می کنند: الف) موضوعات و مواضع موقت یا پایدار و ب) موضوعات و مواضع ملی یا محلی. موضوعات موقت و گذرا بیش تر خصلت فصلی دارند و، مثلاً، در فصل انتخابات مطرح می شوند. اما برخی موضوعات ماهیت پایدار دارند و بر عقیده ها، خواست ها و منافع پایدارتر جریان های اجتماعی متمرکز می شوند. همچنین، احزاب سیاسی موجب برجسته سازی و توجه و توجیه موضوعات در سطح ملی و محلی هستند. در هر چهار حوزه ی مذکور، ساختن و ساماندهی موضوعات سیاسی از جمله کارکردهای حزب است. احزاب می توانند نقش حیاتی در سازمان دادن به موضوع ها و بدیل ها ایفا کنند.

۴.۳.۲ نمایندگی نیازها و منافع

احزاب آشکارا یا ضمنی و رسمی یا غیر رسمی منافع گروه های اجتماعی گوناگون را مطالبه و نمایندگی می کنند. این وظیفه معمولاً به صورت های زیر صورت می گیرد:

الف) مطالبه ی منافع در فصل انتخابات و در قالب شعارهای انتخاباتی و تلاش برای تبدیل آن ها به اراده ی عموم جامعه یا اکثریت آن ؛

ب) نمایندگی منافع و خواست ها در عرصه ی قانون گذاری و اجرا در قالب طرح ها، لایحه ها و بخش نامه های رسمی؛

ج) تلاش برای تبدیل منافع به گفتمان غالب و جلب توجه متخصصان، دولت مردان و جوامع مدنی به اهمیت این مسائل از طریق رسانه ها، محافل و ابزارهای ارتباطی احزاب.

۵.۳.۲. تجميع منافع و سياست ها

احزاب سياسی به مثابه ی دستگاه های صافی هستند که اراده های متفرق، غيرشفاف و ناپالوده ی شهروندان و گروه های منفرد را به خواست های منسجم، شفاف، قابل محاسبه و عملیاتی تبدیل می کند. چنین امری در نظام های دو حزبی طی دوره ی انتخابات شکل می گیرد، اما در نظام های چند حزبی و ائتلافی به پس از انتخابات و گفت و گو های معطوف به "ائتلاف" موکول میشود.

۶.۳.۲. تشکیل و حفظ حکومت ها

تشکیل حکومت ها، انسجام آن ها و قوام شان از مهم ترین کارویژه های احزاب است. احزاب سياسی با انسجام پارلمانی و صیقل دادن قوانین از یک سوی، انسجام هیئت دولت، وزرا و دیگر کارگزاران اجرایی از سوی دیگر و انسجام و ثبات سیاست گذاری عمومی از طرف سوم مانع بی قوارگی، بدشکلی و فتوری حکومت می شوند و به استحکام و دوام حکومت یاری می رسانند. این بخش از کارکردهای احزاب را می توان مهم ترین هدف حکمرانی حزبی دانست.

۷.۳.۲. انسجام اجتماعی

تثبیت فرآیند مشارکت سياسی نتایج مهمی دارد، از جمله می تواند به اجتناب از امواج و سونامی های کنترل ناپذیر انتخاباتی یاری رساند. با ایجاد احزاب سياسی صحیح اعتماد عمومی به حوزه ی سیاست جذب می شود و لاجرم همگرایی اجتماعی را تقویت می کند. احزاب صحیح و قابل اعتماد نابسامانی های اجتماعی محتمل در فصل انتخابات را به حداقل ممکن تعدیل می کنند.

به طور خلاصه، احزاب از ارکان دموکراسی نمایندگی هستند و کارویژه های مهمی را انجام می دهند، از جمله؛ تلاش برای کسب قدرت و تشکیل حکومت از طریق ساز و کارهای قانونی انتخابات، تجميع و بیان مطالبات اجتماعی، پل سازی بین جامعه و حکومت از راه انتقال مطالبات اجتماعی به درون نظام سياسی در نقش حزب حاکم یا اپوزیسیون، بسیج انتخاباتی هواداران، تقویت جامعه پذیری سياسی، تثبیت روندهای سياسی و تربیت

کارشناسان و کادر سیاسی کشور، همه ی این کارکردها به سطح نهادینگی حزب سیاسی و نظام حزبی جامعه برمی گردد. (فیرحی داود، ۱۳۹۶: ص ۳۹)

۳. دلایل ناکارآمدی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

تمام اندیشمندان و متفکران علوم سیاسی متفق القول هستند که احزاب سیاسی در دوران چهل ساله ی جمهوری اسلامی ایران به دلایل عدیده کارآمدی مناسبی نداشته و اغلب ناکارآمد بوده اند. دانشمندان برای این موضوع دلایلی را برشمرده و از منظرهای مختلف آنرا تبیین نموده اند. برخی این عوامل را شامل کلیه ی نگرش های منفی نسبت به پدیده ی تحزب و عملکرد احزاب در عرصه های نظری علم سیاست (عبدالرحمن عالم، ۱۳۷۳، صص ۳۵۱-۳۵۲ و ابوالحمد، ۱۳۷۶، صص ۴۳۷-۴۴۲) و جامعه شناسی سیاسی در کلیه کشورهای جهان دانسته و همچنین به عوامل دیگری اشاره کرده اند که ناکارآمدی احزاب را در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار داده و از زوایای مختلف تاریخی - ساختاری، فرهنگی، اقتصادی، حقوق و عملکردی، این عوامل را توضیح می دهد.

برخی از نویسندگان معتقدند که احزاب سیاسی در ایران، تحت تأثیر علل تاریخی - ساختاری، اقتصادی، حقوقی و قضایی، فرهنگی و عملکردی با ناکارآمدی، مواجه شده اند؛ در این راستا، آنها استبداد، فقدان امنیت، بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به نقش احزاب، وجود احزاب دستوری، وابستگی احزاب به بیگانگان و ایدئولوژی های الحادی، نظام اقتصادی وابسته به نفت، مشکلات اساسی احزاب در تأمین مالی، ضعف های حقوقی نظام انتخاباتی کشور، ضعف موجود در قانون فعالیت احزاب، مشکلات موجود در فرهنگ سیاسی ایران، عملکرد گروه ها و نهادهای بدیل احزاب، عملکرد نخبگان، مقطعی و مرکزگرابودن فعالیت احزاب، تشتت و تفرقه و انشعاب های مکرر، ضعف در تربیت سیاسی و ... در ناکارآمدی احزاب سیاسی را در ایران بررسی کرده اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۷۹ تا ۳۰۷)

برخی نویسندگان دیگر علاوه بر عوامل یادشده به عواملی از قبیل نداشتن رهبری منسجم، مبهم بودن اهداف و برنامه ها یا عدم وجود برنامه های عملی مشخص، دقیق و عملیاتی، عدم استقلال مالی، تقلیدی بودن و نداشتن استقلال فکری برای حرکت و برنامه ریزی در جهت اصلاح شرایط و تحولات منطبق با اصول و ارزش های مورد قبول ملت

مسلمان ایران در نظام جمهوری اسلامی، فعالیت مقطعی و محدود به دوران های برگزاری انتخابات، وجود پدید انشعاب در احزاب و گروه ها، ایجاد ائتلاف های مقطعی برای کسب قدرت مقطعی و زودگذر اشاره کرده اند (عیوضی، ۱۳۹۵: ۲۴۳)

یکی دیگر از دغدغه های احزاب، نحوه ی تأمین منابع مالی و هزینه های سرسام آور این تشکیلات است. این مسئله در کشورهایی که از لحاظ ساختار اقتصادی به صورت دولتی و متمرکز اداره شده و با فقدان رشد بخش های خصوصی و در نتیجه ضعف جامعه ی مدنی روبه رو می باشند، باعث شده تا احزاب غالباً در هیأت احزاب دولتی، غیر مستقل و در نتیجه ناکارآمد ظاهر شوند و در دوره هایی هم که احزاب مستقل و دارای اهداف و انگیزه های غیردولتی ظهور کردند، به دلیل فقدان استقلال مالی و عدم توانایی در تأمین هزینه های مختلف فعالیت های حزبی، پس از مدت کوتاهی رو به ضعف و اضمحلال نهادند. اساساً اقتصاد دولتی و متمرکز، با نادیده گرفتن بخش خصوصی و یا قائل نشدن جایگاه بایسته برای آن، ظهور و حیات تشکل های مدنی مانند احزاب را دچار تنگناهای جدی نموده و می نماید، زیرا زمانی که اقتصاد تحت تسلط کامل دولت است، طبیعی است که قدرت و کلیه ی نهادهای سیاسی نیز در مهار دولت قرار می گیرد. بدیهی است در فضایی که نظام سیاسی درگیر شدیدترین معضلات اقتصادی است، احزاب و فرآیند تحزب از بستر لازم انجام فعالیت آن هم در تعامل ضروری با دولت و ملت بی بهره خواهند بود، ضمن اینکه تأمین منابع مالی آنها نیز دچار آسیب و نقصان فراوانی خواهد گشت. بنابراین در وهله اول مناسب ترین عمل برای تقویت فرهنگ تحزب و ایجاد زمینه های رشد احزاب فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی و متمرکز و ایجاد شرایط لازم و مناسب جهت خصوصی سازی مناسب می باشد. در وهله دوم چون فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی زمان بر و طولانی بوده و به یک پروسه چندین ساله احتیاج دارد، در جهت تقویت جامعه مدنی و ایجاد شرایط مناسب جهت فعالیت احزاب و رشد فرهنگ تحزب نیاز است احزاب سیاسی در کشور تقویت شده و بستر مناسب برای آنان فراهم گردد و اختصاص یارانه های دولتی میتواند یکی از بسترهای این فعالیت باشد.

۴. یارانه احزاب

احزاب و گروه های سیاسی از ابتدای پیدایش، با مشکل تأمین هزینه ی فعالیتهای سیاسی خود مواجه می گردند. در واقع بقای هر حزب در گرو دو عامل اساسی است: عامل اول، تأمین نیرو و عضوگیری و عامل دوم، تأمین درآمدها و سرمایه های مادی و مالی لازم برای انجام فعالیت که شامل مراحل پیدایش، شکل گیری و رشد و توسعه ی احزاب سیاسی می گردد.

هزینه های سرسام آور فعالیت های مختلف حزبی مانند تدارک اماکنی جهت دفاتر حزبی در نقاط مختلف کشور، برگزاری جلسات مختلف و منظم حزبی، انجام امور تبلیغاتی - آموزشی و شرکت در انتخابات با استفاده از وسایل گوناگون تبلیغاتی رادیو تلویزیونی یا پوستر و نظایر آن، نه تنها در نظام های دموکراسی و چند حزبی، بلکه حتی در نظام های تک حزبی نیز یکی از مسائل و معضلات اساسی تحزب به شمار می رود و معمولاً عدم تأمین درست این منابع، احزاب را با نقصان های فراوان و درنهایت با فروپاشی مواجه نموده است.

یکی از سالم ترین راه های تقویت کارکرد احزاب کمک هایی است که از طریق دولت ها به احزاب اعطا می شود. در واقع این کمک ها قادر است بین آزادی سیاسی و برابری اقتصادی (لیبرالیسم سیاسی و سوسیالیسم اقتصادی) نوعی تعادل برقرار کند، تعادلی که هدفش تقویت مردم سالاری سالم است که در آن افراد با نفوذ و ثروتمند نمی توانند به خاطر نیاز های مالی احزاب در تصمیم گیری های کلان مملکتی نفوذ کرده، آن ها را به نفع خود تغییر دهند.

نگاهی به تاریخ توسعه سیاسی در کشورهای دیگر حاکی از آن است که دموکراسی و مردم سالاری زمانی در این کشورها تحقق پیدا کرده که احزاب توانسته اند با تکیه بر دولت از زیر فشار نیروهای اجتماعی دارای منافع اقتصادی سرشار رهایی یابند. افزون بر این، شفافیت موجود در میزان این کمک های مالی خود تقویت کننده اعتماد میان مردم و دولت و در نهایت در یک نظام سیاسی است. نظارت اعمال شده از طرف دولت در هزینه کردن این کمک ها در مجرای تقویت ارتباط میان مردم و حاکمیت، یکی از ابزارهای اساسی برای جلوگیری از سوء استفاده احزاب است. در نقطه مقابل نیز اعطای این کمک ها به همه احزاب دارای شرایط بدون توجه به گرایش های سیاسی آن ها، باعث می شود که با نهادینه

شدن این امر از دخالت دولت در احزاب و به عبارت دیگر، دولتی کردن آن‌ها جلوگیری شود.

۱.۴ پرداخت یارانه به احزاب سیاسی در کشورهای دیگر

احزاب برای فعالیت به منابع مالی احتیاج دارند. قبلاً احزابی که موریس دوورژه آنها را احزاب خواص می‌نامید، تنها بر دارایی‌های شخصی رهبران خود، که بیشتر از اشراف و ثروتمندان بودند، تکیه داشتند، ولی احزاب عوام که برخاسته از طبقات میانی و پایین جامعه بودند، راهی جز یاری جستن از اعضایشان نداشتند و امور خود را با حق عضویت می‌گذراندند. منابع مالی محدود یاد شده، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کم و بیش پاسخگو بود و نیازهای مالی محدود احزاب سیاسی را برطرف می‌کرد، اما به تدریج، زندگی سیاسی از سادگی پیشین بیرون آمد و روز به روز پیچیده‌تر شد. در نتیجه احزاب، ناچار به توسعه‌ی سازمان‌های حزبی خود در سطح کشور شدند و دیوانسالاری در آنها به سرعت گسترش یافت. از طرف دیگر، ناچار شدند نیروهای تمام وقت را در سطوح مختلف به کار گیرند و بدین ترتیب، هزینه‌های جاری احزاب به شدت رو به افزایش نهاد.

عامل دیگر افزایش هزینه‌های احزاب سیاسی، هزینه‌های تبلیغاتی دوران انتخابات است. به تدریج انتخابات از شکل ساده و ابتدایی بیرون آمد و به صورت صنعتی پیچیده و حرفه‌ای درآمد. هزینه‌های رو به فزونی زندگی سیاسی، احزاب و گروه‌های سیاسی را با مشکل جدی روبرو کرد. برای رویارویی با این مشکل، شماری از احزاب از اصول و آرمان‌های خود منحرف شدند و با روی آوردن به شرکت‌ها، موسسات اقتصادی، تجاری و یا گروه‌ها و اشخاص ذی نفوذ استقلال خود را از دست دادند. انحراف، فساد و اختلاس، احزاب را از مسیر نخست خود خارج کرد. در نتیجه، بسیاری از دولت‌ها برای مقابله با این پدیده، ناگزیر به مداخله شدند و به یاری احزاب شتافتند و با قانونمند کردن هزینه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی، بخش زیادی از هزینه‌ها را عهده دار شدند.

دخالت دولت‌ها در انتخابات با دو هدف اصلی انجام گرفت: نخست دولت‌ها با تعیین سقفی معین برای هزینه‌های تبلیغاتی کوشیدند هزینه‌های انتخاباتی را کاهش دهند و شرایط عادلانه‌تر برای کسانی که قدرت مالی محدودی دارند به وجود آورند. دوم آنکه

دولت ها به اختصاص یارانه ی دولتی به احزاب و نامزدها برای هزینه کردن در انتخابات کوشیدند راه را بر فساد مالی احزاب ببندند. دولت ها در این جوامع، به شیوه های مختلف احزاب و نامزدها را مورد حمایت خود قرار می دهند. متداول ترین این شیوه ها عبارتند از:

- الف- کمک های بلاعوض افراد یا شرکت ها، در بسیاری از کشورها مشمول کسورات مالیات بر درآمد است. این موضوع موجب تشویق مردم به حمایت از احزاب سیاسی یا نامزدها می شود و مردم را هرچه بیشتر به صحنه ی سیاسی علاقه مند می سازد.
- ب- استفاده از برخی امکانات و اموال دولتی بدون پرداخت هزینه یا تخفیف های ویژه
- پ- پرداخت نقدی بخشی از هزینه های تبلیغاتی
- ج- راه دیگر، پرداخت یارانه ی برابر به همه ی احزاب و بدون در نظر گرفتن آرا و کرسی هایشان است که کمتر متداول است. البته در بیشتر کشورها خدمات غیرنقدی دولت به صورت برابر در اختیار احزاب سیاسی قرار می گیرد و چندان وابسته به امور دیگر نیست. (حجت اله ایوبی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵-۱۴۰)

۲.۴ پرداخت یارانه به احزاب در جمهوری اسلامی ایران

قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۷ در ۱۹ ماده، ۹ تبصره و ۱۸ بند در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. همچنین قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۹۴/۱۱/۴ مجلس تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۸ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام، تشخیص داده شد. در بند «ث» این قانون آمده است: نحوه ی تامین مالی منابع بایستی مشخص و واضح باشد. و بند ۱۴ این قانون در اینباره چنین می گوید:

«منابع مالی احزاب باید از طریق قانونی تأمین و هزینه شود. کلیه درآمدها و منابع آن و مصارف و هزینه های حزب باید در دفاتر قانونی ثبت شود.»

و احزاب طبق ماده ۱۶ این قانون برای تأمین مالی خود مجاز به دریافت موارد زیر هستند:

الف - حق عضویت اعضا

ب - کمکها و هدایای نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی

ج - وجوه حاصل از فعالیت‌های قانونی انجام شده در چهارچوب موضوع فعالیت، اهداف و اساسنامه

د - کمکها و یارانه‌های دولتی

همانگونه که مشاهده شد در این قانون صراحتاً از "کمک‌ها و یارانه‌های دولتی" به احزاب نام برده شده است و در تبصره یک این ماده نیز آمده است: «دولت در راستای کمک به احزاب هر ساله ردیف بودجه‌ای را در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌کند». اما در هنگام نگارش قانون برنامه ششم توسعه، بندی که دولت را ملزم به پرداخت یارانه به احزاب می‌کرد حذف و عبارت: «دولت موظف است برنامه ریزی‌های لازم جهت توسعه سیاسی را به گونه‌ای طراحی کند که تا پایان اجرای قانون برنامه ششم، احزاب و تشکل‌های سیاسی مطابق ضوابط قانونی که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد، مورد حمایت قرار گیرند» آورده شده است و این در حالیست که قانون «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی ایران» به صراحت از کمکها و یارانه‌های دولتی نام برده و این نشان می‌دهد که هنوز در اینباره اختلاف نظر وجود دارد و پرداخت یارانه به احزاب، محل مناقشه است. در واقع در جامعه‌ی ما در رابطه با پرداخت یارانه دولتی به احزاب دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول بر این باور است که این کمک‌ها باعث دولتی‌شدن احزاب و در نتیجه عدم استقلال آن‌ها می‌شود و اعتقاد برخی دیگر اینست که دولت با اعطای یارانه‌ی دولتی زمینه‌ی فعالیت سالم در عرصه‌ی رقابت را فراهم می‌نماید. فرض گروه اول اینست که با پرداخت یارانه دولتی، احزاب در واقع به ابزاری در دست دولت تبدیل می‌گردند و برای دریافت کمک‌های مالی و غیر مالی وظیفه‌ی نقد دولت را کنار گذاشته و به اعانه‌بگیر تبدیل می‌گردند.

گروه دوم فرض را بر این می‌گذارد که دولت می‌تواند همچون موارد دیگر همچون مطبوعات، هم به احزاب کمک مالی کند و هم از طریق نظارت صحیح، آزادی و استقلال احزاب را تامین کرده و همچنین از بروز تخلفات توسط احزاب جلوگیری نماید.

در واقع، اختلاف اساسی این دو دیدگاه در این است که دیدگاه اول معتقد به رشد و بالندگی طبیعی احزاب است، در حالی که گروه دوم برنامه ریزی و لذا دخالت دولت را به خاطر شرایط ویژه کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ایران را امری ضروری می دانند. تجربه کشورهای دیگر نیز موید نگاه دوم است چرا که در این گونه کشورها علی رغم کمک های مالی دولت به احزاب، روند توسعه سیاسی در آنها متوقف نشده و فعالیت احزاب بهینه تر شده است. برای بررسی میزان تاثیر پرداخت یارانه های دولتی در عملکرد بیشتر و بهینه تر احزاب لازم است بررسی بیشتری در این زمینه داشته باشیم.

۱.۲.۴ محاسن پرداخت یارانه ی دولتی به احزاب سیاسی

موافقین پرداخت یارانه به احزاب، دلایلی را برای اینکار ذکر می کنند و سعی دارند بر پایه ی این دلایل دولت را ملزم و مجاب به پرداخت یارانه به احزاب نمایند. موافقین معتقدند حزب سیاسی یک نهاد اجتماعی و سیاسی مربوط به قدرت و حقوق عمومی است و احزاب حق دارند با توجه به تعداد اعضایشان از بودجه عمومی کشور برای اداره ی خود سهمی داشته باشند و از آن برای اداره ی حزب، مبارزه های انتخاباتی و بسط دیگر کارکردهای احزاب استفاده نمایند و این اعتقاد روز به روز در حال قوی تر و نیرومند تر شدن است. اینان معتقدند با پرداخت مستمر و دائمی یارانه ی دولتی به احزاب می توان در مورد تحقق کارکردهای که در ادامه بیان می گردد به احزاب کمک و یاری رساند:

۱.۱.۲.۴ کمک به آموزش دانش سیاسی و کشف استعدادها

با توجه به سیر تکمیلی دانش و همچنین تحولات روزمره جهان، برای بروز بودن و داشتن دانش سیاسی مناسب، افراد جامعه و اعضا حزب بایستی تحت آموزش قرار گیرند و یکی از بهترین مکان ها برای آموزش عملی دانش سیاسی، احزاب می باشند. این کارکرد علاوه بر آموزش دانش سیاسی می تواند به کشف استعدادهای سیاسی و میدان دادن به افرادی که دارای بینش سیاسی مناسب می باشند کمک نماید. چون فرآیند آموزش یک فرایند مستمر و دائمی است بنابراین احزاب بایستی در تمام طول سال در این زمینه فعالیت مستمر داشته باشند تا این رسالت و کارکرد را بتوانند بخوبی ادا کنند.

یکی از بهترین منابع معرفت و دانش سیاسی در مورد جوامع انسانی، احزاب هستند. آنان برای به دست آوردن قدرت باید محیط عملی خود را بشناسند و چون با رفتن

رهبران‌شان منحل نمی‌شوند، این معرفت سیاسی حزبی امری مداوم است. همه این‌ها در حالی است که در جهان نظری سیاست، نظریه‌ها و اندیشه‌ها به سرعت متحول می‌شوند و از این رو در صورت نبود نهادی، مثل احزاب، رسیدن به یک اجماع نسبی در مورد شرایط سیاسی و ساختار سیاسی مشکل خواهد بود. (عبدالحمید ابوالحمد، ۱۳۷۶، صص ۴۳۳-۴۲۳) آموزش دانش سیاسی به جامعه باعث توسعه و رشد سیاسی می‌شود که توسعه و رشد سیاسی می‌تواند به توسعه همه جانبه و توسعه‌ی انسانی منجر شود و در واقع شرط لازم برای آن به شمار می‌آید.

۲.۱.۲.۴ ایجاد مشارکت سیاسی

هر حکومتی برای بقا و پویایی احتیاج به مشارکت افراد جامعه در فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... دارد و در این میان مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای سنجش میزان رضایت‌مندی و ثبات سیاسی یک جامعه است. در واقع احزاب در ایجاد و نهادینه کردن مشارکت سیاسی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. تردیدی نیست که مشارکت سیاسی هدفمند، قانونی و سازمان‌یافته تنها از طریق احزاب و تشکل‌های سیاسی ایجاد می‌شود. (بشیری، ۱۳۷۴، صص ۱۲۳ و ۱۲۴)

می‌توان گفت در نظام مرمسالاری مردم‌اساس و پایه حکومت و نظام هستند و در صورت غفلت از آنها پایداری و ثبات حکومت به خطر افتاده و چه بسا از دست برود. مهمترین حسن مشارکت سیاسی که امروزه به ضرورت تبدیل شده است متضمن رشد سیاسی مردم و جامعه و در عین حال حفظ ثبات نظام سیاسی است. از طریق مشارکت فعال شهروندان فاصله آگاهی بین رهبران جامعه و توده‌ها از بین می‌رود و یا به حداقل می‌رسد و این بزرگ‌ترین فایده مشارکت سیاسی است.

۳.۱.۲.۴ حفظ منافع ملی و ثبات نظام

احزاب با توجه به اینکه رابط مردم و دولت هستند بایستی خصلت آزاده‌منشی داشته و بدنبال تامین منافع ملی باشند و اگر در این راه وامدار عده‌ای خاص مانند صاحبان ثروت و صنایع بزرگ، بانکداران، پیمانکاران و مقاطعه‌کاران بزرگ شوند، احزاب را از کارکرد اصلی خود دور نموده و حتی احزاب را درگیر زد و بند‌های غیرمشروع و غیرقانونی کرده و چنین احزاب وامداری نمی‌توانند تامین‌کننده منافع مردم باشند. در واقع فساد مالی

احزاب و گروه‌های سیاسی برای تامین هزینه‌های حزبی و سیاسی موجب دلسردی مردم و بی‌اعتباری رهبران سیاسی می‌گردد.

در کشورهای غربی که خاستگاه احزاب سیاسی به شیوه نوین بودند در نهایت برای حفظ منافع ملی و پایدار ماندن احزاب که یکی از پایه‌ها و اساس دموکراسی هستند شیوه پرداخت یارانه دولتی مورد استفاده دولت‌ها قرار گرفته است. در واقع پرداخت کمک‌های دولتی و یارانه‌ای دولتها به احزاب و قانونمند شدن هزینه‌های احزاب در انتخابات‌ها، از چند طریق به منافع ملی کشورها کمک نمود. (ایوبی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵ تا ۱۶۷) این کم شدن اختلاف‌ها و اجماع نسبی بین احزاب سیاسی تامین‌کننده وحدت ملی و منافع ملی بوده و کشورها را به سمت ثبات بیشتر سوق داده است.

۴.۱.۲.۴ حفظ یکپارچگی ملی و مسائل امنیتی

یکپارچگی ملی دلالت بر توانایی دولت برای کنترل سرزمین تحت حاکمیت خود و همچنین مجموعه‌ای از رفتارهای مردم نسبت به کشور یا ملت دارد که معمولاً تحت عنوان وفاداری، اتحاد، ارجحیت دادن ملاحظات ملی نسبت به ملاحظات محلی یا فرقه‌ای خوانده می‌شود. برای عده‌ای دیگر یکپارچگی ملی عبارتست از تنظیم ساختارها و فرایندهایی که به وسیله‌ی آنها، عناصر مجزا و متفرق در یک سرزمین ملی معین، وارد مشارکت با معنی در سیستم سیاسی می‌شوند. هرچه این فرایند را مشارکت‌کنندگان مشروع بدانند، می‌تواند همگرایی پروسه‌ای (در مقایسه با همگرایی ملی) تعریف شود. یکپارچگی سیاسی نیز که در امر یکپارچگی ملی نقش بسزایی دارد، عبارتست از همگرایی و اتفاق نظر اعضای جامعه سیاسی نسبت به فرایندهای سیاسی که روند این نوع یکپارچگی معمولاً کندتر از روند یکپارچگی ملی است.

با پرداخت یارانه و کمک مالی، امکان نظارت مستمر بر عملکرد احزاب از جهت حفظ مسائل امنیتی و استراتژیک بیشتر می‌شود. احزاب این امکان را دارند که بنا به نیاز مالی برای فعالیت به منابع خارجی متوسل و متمایل شوند و یا از مشی قانونمدارانه به مشی براندازانه تغییر مسیر دهند و یا به سازمان‌هایی زیرزمینی تبدیل شوند و بصورت پنهانی و ناملموس در امنیت جامعه خلل ایجاد نمایند اما وقتی قرار باشد از دولتها کمک بگیرند و مشمول یارانه‌های دولتی باشند و بتوانند از این طریق در بدست آوردن قدرت و همچنین

دیگر کارکردهای احزاب مد نظر قرار گیرند، زمینه نظارت دقیق تر و کامل تر بر آنها فراهم می گردد. علاوه بر امکان رصد بیشتر احزاب پس از پرداخت یارانه حزبی، وقتی حزبی در داخل یک نظام پذیرفته شده و منافع حزب و مشکلات مالی آن از طریق نظام حاکم برآورده گردد بالتبع آن حزب خود را جزئی از حاکمیت می داند و برای حفظ این نظام تلاش بیشتری کرده و بدنبال تثبیت حاکمیت خواهد بود و وجود خود را در وجود حاکمیت جستجو خواهد کرد.

۵.۱.۲.۴ فعالیت دائمی احزاب

یکی از معضلات حزب در ایران اینست که احزاب معمولاً بصورت مقطعی و جزیره ای در ایام انتخابات فعال شده و پس از انتخابات نیمه فعال یا غیر فعال می شوند و این، فرهنگ حزب را دچار سردرگمی کرده است و یکی از دلایل عمده ی آن، عدم داشتن منابع مالی مستمر برای فعالیت دائم می باشد. در ایام انتخابات معمولاً منابع مالی در احزاب وجود دارد و توسط کاندیداها یا هواداران ایشان منابع مالی به احزاب تزریق می شود و در نتیجه فعالیت حزب و اعضا و هواداران به اوج خود می رسد. با پرداخت یارانه و کمک های دولتی بصورت مستمر و بر اساس بودجه سالیانه، احزاب می توانند روی فعالیت دائم و مستمر برنامه ریزی کرده و در تمام طول سال، نقش های اختصاصی خود را ایفا نمایند.

۶.۱.۲.۴ جلوگیری از ورود پول کثیف به عرصه سیاسی کشور

هیجان رقابت های سیاسی و عطش کسب قدرت باعث می شد که برخی از نامزدها و احزاب حامی آنها برای تامین منابع مالی مورد نیاز خود، وامدار متمدلانی شوند که پول های کثیف را به عنوان هدیه در اختیار آنها قرار می دادند. مطالعات گسترده ای درباره این مفهوم و شاخص های شناسایی آن در دنیا انجام شده و در ایران هم قوانین خوبی در این زمینه تصویب شده است.

حمایت مالی نامزدهای انتخاباتی با پول های آلوده و سپس روی کار آمدن دولت ها و مجالسی برآمده از این پول های کثیف که بر طبق اصول وامدار شبکه های فساد مالی می شدند، باعث شکل گیری چرخه ای می گردد که با اصل آزادی انتخاب و همچنین دموکراسی در تعارض قرار گیرد. یکی از راه های جلوگیری از ورود پول کثیف به این

عرصه می تواند پرداخت یارانه دولتی به احزاب باشد تا به این وسیله از درافتادن احزاب و اشخاص در ورطه ی پول های کثیف جلوگیری بعمل آید.

۷.۱.۲.۴ دلایل دیگر

الف-افزایش هزینه های احزاب و کاهش درآمد آن ها : در سال های اخیر احزاب سیاسی با نوعی بی توجهی از طرف شهروندان مواجه شده و از تعداد اعضای آن ها کاسته شده است . این امر احزاب را هم از درآمد ناشی از پرداخت حق عضویت و هم از خدمات رایگان اعضای حزب محروم کرده است.

ب- تامین برابری در رقابت های سیاسی : همه ی احزاب به یک میزان به منابع مالی دسترسی نداشته و برای جلوگیری از آسیب اینگونه احزاب لازم است منابع مالی در اختیار ایشان قرار گیرد. این نگرانی به خصوص درباره ی احزاب کوچک و احزاب جدید که هنوز پیوند هایی با بدنه اجتماعی جامعه ایجاد نکرده اند وجود دارد.

۲.۲.۴ معایب اختصاص یارانه به احزاب سیاسی

ذهنیت تاریخی ایرانیان در مورد پرداخت یارانه دولتی به احزاب مخالفت با این امر است و این ریشه در عدم مشروعیت و مقبولیت دولت ها دارد که البته این مشکل پس از انقلاب اسلامی تا حد زیادی برطرف شده است. در این بخش معایبی که برای پرداخت یارانه از منابع عمومی به احزاب متصور است و عموماً توسط مخالفین پرداخت یارانه به احزاب بیان می شود ، ذکر می گردد :

۱.۲.۲.۴ ایجاد احزاب دولت ساخته

برخی معتقدند چون احزاب مردمی هستند بایستی خودشان هزینه های خود را پرداخت نمایند و اگر از بودجه عمومی یارانه یا کمک های مالی به احزاب صورت گیرد آن حزب از صورت مردمی درآمده و به یک حزب "دولت ساخته" تبدیل می شود در حالیکه احزاب بایستی "دولت ساز" باشند. همانگونه که میدانیم جامعه ایرانی از احزاب دولت ساخته چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی ضربه های فراوانی خورده است و نگرش منفی نسبت به اینگونه احزاب در جامعه ما وجود دارد.

۲.۲.۲.۴ عدم رعایت عدالت در پرداخت یارانه :

بعضی از مخالفان اعطای یارانه دولتی معتقدند استراتژی و تفکر دولت‌ها بر مبنای ذهنیت و گرایش حزبی‌شان، بر روی شیوه پرداخت یارانه به احزاب و میزان حمایت از گروه‌های همسو و همفکر خود تأثیر می‌گذارد. در واقع اشخاصی که مخالف پرداخت یارانه احزاب می‌باشند معتقدند دولت‌ها عدالت را در این زمینه رعایت نمی‌کنند و به احزابی که آنها را با سیاست‌های خود همسو می‌بینند یارانه بیشتر و سریع‌تری پرداخت می‌کنند و احزابی که متقد عملکرد دولت باشند از یارانه دولتی بی‌بهره یا کم‌بهره خواهند شد و وجود این مقوله به بی‌عدالتی و تبعیض بین احزاب دامن می‌زند فلذا مخالف چنین پرداخت‌هایی می‌باشند.

۳.۲.۲.۴ گرایش دولت‌ها به سمت نظام اقتدارگرا

گروهی معتقدند اگر شرایط خاص در کمک دولت به احزاب رعایت نشود، ممکن است این کمک‌ها در نهایت به ضرر جامعه تمام بشود. به عبارت دیگر اگر دولت با اختیار خود به برخی احزاب کمک‌های بیشتری نماید، ممکن است گرایش به طرف یک نظام بسته‌ی اقتدارگرای سیاسی بیشتر شود. به عنوان مثال نگاهی به شیوه‌ی تأمین مالی در برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی نظیر اندونزی گویای آن است که دولت از طریق اعطای کمک مالی به احزاب آن‌ها را کنترل می‌کند و مانع از آن می‌شود که خواسته‌های بخش خصوصی و دیگر مردم در احزاب متجلی شود. این کمک‌ها حتی باعث می‌شود که دولت در امور داخلی احزاب نیز مداخله کند. (Edited by wolfgang Sachsen oder, virike E, frings, "political party systems and democratic development in east and southeast asia", aldershot: ashgate, 1998, vol, 1, p, 208.) که این مداخله محدود شدن احزاب و زیر سوال رفتن اصل آزادی با توجه به نظارت‌هایی که بعد از پرداخت یارانه و کمک مالی از طریق دولت به آنها تحمیل خواهد شد را در پی خواهد داشت. این نظارت‌ها در جای خود کاری به جاست اما بعضاً می‌تواند به عنوان اهرم فشار برای بستن دهان حق‌گوی احزاب مورد استفاده قرار گیرد.

۴.۲.۲.۴ ایجاد فرهنگ تملق و چاپلوسی

احزاب سیاسی به مثابه حلقه میانجی و بخش اصلی جامعه مدنی در دسته بندی تقاضاها و حمایت ها و هدایت آنها به سمت مجاری تصمیم گیری نقشی مهم بر عهده دارند و از این طریق باعث مشروعیت حکومت ها می شوند و به عنوان نهادی برخاسته از متن جامعه و واسطه میان مردم و حاکمیت، به انتقال خواسته ها و مطالبات جامعه و یا طبقه ذی نفعی که از آن شکل یافته اند، می پردازند. از این رو، احزاب را می توان بهترین مکان برای جمع مطالبات توده ها دانست. (نوذری، ۱۳۸۱: ص ۱۲)

حال اگر این احزاب برای دریافت یارانه بیشتر و سریع تر به سمت تملق و چاپلوسی گرایش یابند در واقع این احزاب از رسالت سیاسی و اجتماعی خود دور افتاده و دلیل وجودی خود را از دست می دهند.

۵.۲.۲.۴ زیر سوال رفتن اصل تفکیک قوا

اصل تفکیک قوا اصلی در حقوق عمومی است که بر اساس آن برای جلوگیری از استبداد، حکومت به چند قوه جدا از هم سپرده می شود. این اصل ابتدا در غرب مطرح شد و بر نظامهای سیاسی تأثیر اساسی گذاشت، سپس در پی آشنایی دولتمردان و نخبگان کشورهای اسلامی با آن، این نظریه در این کشورها نیز مطرح شد که به مباحثات نظری و اقداماتی در جهت تغییر ساختار حکومتها انجامید. برخی معتقدند در صورت کمک مالی دولت به احزاب، دولت می تواند برای خود یک لشکر حامی به وجود آورده و از این طریق دیگر قوا از جمله قوه مقننه، قضاییه و نهادهای دیگر را تحت فشار قرار دهد که این اقدام مخالف اصل تفکیک قواست. (احمد مرکز المیری، رحمان قهرمانپور بناب، بررسی راه های اعطای کمک های مالی دولتی به احزاب)

۶.۲.۲.۴ رشد بی رویه احزاب

رشد بی رویه احزاب به هر علت جامعه را دچار آشفتگی کرده و احزاب علاوه بر اینکه نمی توانند به رسالت خود عمل کنند کل فضای سیاسی جامعه را تحت الشعاع قرار داده و به یک سرگشتگی سیاسی دچار می نماید و مخالفین پرداخت یارانه به احزاب یکی از

دلایل رشد بی رویه و قارچی شکل احزاب را موضوع پرداخت یارانه های دولت عنوان می نمایند.

۳.۲.۴ برآیند بررسی منافع و معایب پرداخت یارانه به احزاب

با توجه به این موضوع که در نظام های دموکراتیک ، احزاب نقش عمده و تعیین کننده ای در تقویت انسجام ملی ، بسیج نیروهای اجتماعی و مشارکت سیاسی خصوصا در انتخابات ها را دارند و همچنین این قابلیت را دارند که در مدیریت جامعه و ایجاد نظم در آن تاثیر مثبت بگذارند فلذا تامین مالی آنها از بودجه عمومی و دولتی یک ضرورت است . در خصوص معایبی که ذکر شد توضیحاتی در ادامه می آید . ذکر این نکته ضروریست که اکثر این انتقادات و معایب شکلی بوده و اکثر منتقدین با ماهیت کار مخالفت عمده ای ندارند.

۱.۳.۲.۴

در خصوص احزاب دولت ساخته و اینکه پرداخت یارانه و کمک مالی به احزاب باعث ایجاد احزاب دولت ساخته می شود این نکته قابل ذکر است که ویژگی احزاب دولت ساخت اینست که توسط افراد دولتی بوجود می آیند یعنی حزب در همان ابتدای امر توسط این افراد تشکیل شده و مبنای تشکیل آن در هرم قدرت از بالا بوده است و با پرداخت یارانه و کمک دولتی به کلیه احزاب آنها تبدیل به حزب دولت ساخت نمی شوند چرا که همه ی این احزاب توسط دولت ایجاد نشده و فقط از یارانه و کمک دولت در اداره خود بهره می برند.

۲.۳.۲.۴

در باب ترس از مخدوش شدن استقلال احزاب در صورت دریافت یارانه دولتی ذکر این نکته ضروریست که تمامی دستگاه ها و نهادها در جمهوری اسلامی ایران از جمله قوه قضاییه ، قوه مقننه و دیگر ارگانها ، بودجه سالیانه خود را از طریق دولت و ردیف های بودجه ای دریافت می کنند اما این نهادها به دولت وابستگی نداشته و در عمل بصورت تفکیک شده وظایف قانونی خود را انجام می دهند پس دریافت یارانه دولتی بصورت مدیریت شده و برطبق موازین و اصول خاص نمی تواند استقلال احزاب را خدشه دار نماید.

۳.۳.۲.۴

درباره ی عدم تاثیر تفکرات دولت و گرایشات حزبی دولت در پرداخت یارانه به احزاب، قابل ذکر است که میزان پرداخت یارانه و نحوه ی آن را قانون بر حسب شاخص های خاص مشخص می نماید تا دولت مستقر نتواند سلیقه خود را اعمال نمایند و تغییر دولت ها نیز بر روی این یارانه تاثیر نگذارد. همچنین یارانه ی مورد نظر بطور مستقیم به احزاب پرداخت نمی گردد بلکه یارانه از طریق دولت به خانه احزاب تخصیص داده می شود و خانه احزاب آنرا طبق دستورالعملهای قانونی و تحت نظارت کمیسیون ماده ۱۰ با رعایت موازین به احزاب ذینفع تخصیص می دهد. در خصوص عدم رعایت عدالت در پرداخت یارانه دولتی و تاثیرگذاری گرایش حزبی دولت به سمت احزاب موافق و در نتیجه پرداخت یارانه بیشتر و سریعتر به اینگونه احزاب، نظر منتقدین تا حدودی صحیح است و این امکان وجود دارد که دولت بخواهد چنین کاری انجام دهد اما حتی اگر یارانه دولتی هم وجود نداشته باشد باز هم دولت با توجه به امکانات و بودجه ای که در اختیار دارد می تواند از طرق مختلف به احزاب همسو به نحوی کمک نماید و بهترین راهکار در این زمینه تدوین قانون مناسب در این زمینه و محدود کردن دولت در چارچوب قانون و تحت نظارت قوه مقننه و قضاییه در این مقوله می باشد. برای اینکه دولت میان احزاب موافق و مخالف خود در اعطای کمکهای مالی تبعیض قایل نشود باید کیفیت و کمیت توزیع بودجه مشخص باشد. بنابراین تخصیص بودجهای که کیفیت و کمیت توزیع آن نامشخص است، عملی نابخردانه و خلاف مصالح کشور است.

۴.۳.۲.۴

رای جلوگیری از رشد بی رویه احزاب به هر علت از جمله با نیت سو استفاده از یارانه های دولتی، قانون جدید احزاب تمهیدات خوبی اندیشیده است و تعداد احزاب که قبلاً حدود ۲۵۰ حزب بودند بعد از اجرایی شدن قانون جدید به تعداد ۱۱۸ حزب تا تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۹ کاهش پیدا کرد (سایت وزارت کشور) هر چقدر قانون شرایط ایجاد حزب را بصورت منطقی محدودتر نماید تعداد احزاب منطقی تر و تاثیرگذارتر خواهد شد. شکی نیست که در صورت تخصیص بودجه برای احزاب، باید تدابیری اتخاذ شود تا کسانی با فرصت جوئی سیاسی و اقتصادی به تشکیل حزب یا گروه ساختگی، بدون

پشتوانه و مقبولیت مردمی اقدام نکنند تا بتوان به سوی توزیع منصفانه‌ی بودجه‌ی مورد بحث در جهت نایل شدن به مقاصد پیش بینی شده گام برداشت. (اردشیر، امیرارجمند، «تقریرات درس حقوق اداری تطبیقی»، ۱۳۸۴)

۵.۳.۲.۴

ناهنجاری تملق و چاپلوسی به فرهنگ عمومی جامعه و اخلاقیات حاکم بر جامعه برمی گردد. اینکه پرداخت یارانه دولتی به احزاب بتواند به این معضل دامن بزند دور از ذهن نبوده و نیست اما برای دوری احزاب از ناهنجاری تملق و چاپلوسی لازم است فرهنگ حاکم بر جامعه رشد و توسعه یابد و تملق و چاپلوسی بعنوان یک ضد فرهنگ در جامعه معرفی گردد که اینکار بایستی بوسیله بالارفتن سطح فرهنگ عمومی و سیاسی جامعه و همچنین تأثیر نخبگان، اساتید و دیگر عوامل آموزش به کل جامعه تزیق گردد. این ناهنجاری در احزاب سیاسی لزوماً ربطی به پرداخت یارانه یا عدم پرداخت یارانه ندارد و حتی اگر این یارانه نیز پرداخت نشود و سطح فرهنگ جامعه پایین باشد باز هم چاپلوسی و تملق به انحاء مختلف نمود پیدا می کند. راهکار از بین رفتن این رذیله اخلاقی در باب احزاب همان راهکار دینی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مذمت این دست افراد می فرمایند: «اَحْثُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ التُّرَابَ؛ به صورت چاپلوسان خاک پاشید» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱)

۵. نتیجه گیری

همانگونه که می دانیم در نظام جمهوری اسلامی تمامی امور با اتکا به آرا عمومی مردم اداره می شود و مردم طبق قانون اساسی نقش اصلی را در جمهوری اسلامی ایران ایفا می نمایند. این حق مردم است که منتخبانی را برای اداره امور کشور برگزینند و بر اعمال آنها نظارت داشته باشند و همچنین حق آنهاست که در همین راستا نهادهایی مثل احزاب سیاسی را برای رساندن خواسته های خود به مسئولین ایجاد نمایند که این نهادها نقش رابط بین مردم و مسئولین را ایفا نموده و جلو زیاده خواهی ها و انحصار دولت ها را بگیرند یا از طریق این نهادها، اشخاص مستعد و توانا بتوانند وارد چرخه ی اداره کشور شده و یکی از کارکردهای مردم سالاری که چرخش نخبگان است، به منصفه ظهور درآید.

با توجه به اینکه حق ایجاد احزاب سیاسی به استناد قانون اساسی حق مسلم مردم است پس فراهم آوردن شرایط تشکیل حزب و اداره ی بهینه آن نیز جزو حقوق عامه می باشد. با توجه به قوانین موجود و محاسنی که پرداخت یارانه احزاب برای تثبیت احزاب و به تبع آن تثبیت نظام از طریق ایجاد مشارکت سیاسی و شور و نشاط انتخاباتی که در زمان انتخاباتها توسط احزاب ایجاد می شود، به ارمغان می آورد و با توجه به تجربه کشورهای دیگر در این زمینه، ایجاد و اداره ی احزاب سهل تر شده و مشکلات ناشی از عدم نهادینه شدن فرهنگ تحزب نیز برطرف می گردد. اگر احزاب قادر باشند کارکردهای اختصاصی خود را اجرایی نمایند به پایداری بیشتر نظام مستقر و رضایت عامه افزوده می شود. در واقع اختصاص یارانه و کمک های دولتی به احزاب ساخته شده توسط مردم یک حق است که بایستی از طرف دولتها به احزاب تخصیص داده شود و احزاب چون مردمی هستند بایستی برای اداره بهتر و روان تر بتوانند از بودجه عمومی کشور سهمی داشته و این سهم را بصورت یارانه نقدی یا غیر نقدی دریافت نمایند. فلسفه ی این نوع کمک ها به خصوص در کشورهای در حال توسعه ای مثل ایران این است که توسعه سیاسی و تقویت مردم سالاری در این گونه کشورها، امری طبیعی نیست، بلکه باید مطابق برنامه ریزی باشد. از همین رو در صورتی که رسیدن به توسعه ی سیاسی همه جانبه مد نظر باشد، اولین گام، تعیین جایگاه احزاب از لحاظ مالی و قانونی است.

شاید یکی دغدغه های اصلی پرداخت یارانه دولتی به احزاب ترس و ارباب از وابستگی و سرسپردگی احزاب به دولت مستقر باشد اما همانگونه که توضیح داده شد برای استفاده از محسنات وجود احزاب و بسط کارکردهای این نهاد در جامعه، چشم پوشی از درصدی وابستگی قابل قبول بوده و نمیتوان بخاطر آن از مزایای دیگر این راهکار چشم پوشی کرد همانگونه که در اکثر کشورهای دیگر از این راهکار برای استفاده بردن از این روش استفاده شده است. در هر صورت دموکراسی و مردم سالاری در دل خود چنین مشکلاتی را هم دارد که قابل چشم پوشی است. همچنین حمایت از احزاب در واقع حمایت از بعضی از مفاد حقوق بشر از جمله آزادی بیان و آزادی اندیشه است که به نحوی از حقوق عامه در برابر حکومت دفاع می کند. از دیگر دلایل لزوم حمایت مالی از احزاب به خصوص احزابی که منابع مالی کافی در اختیار ندارند این است که این احزاب ممکن است بدلیل ضعف مالی تحت تاثیر ارباب ثروت قرار گیرند. لذا با کمک های دولتی، احزاب از فشار و ارباب های ناروا رهایی یافته و امکان رشد و بالندگی و تحقق

کارکردهای مثبت را پیدا میکنند. بنابراین با لحاظ جمیع جهات ذکر شده و در نظر گرفتن تجربیات دیگر کشورهای پیشرفته و ذکر این نکته که یکی از علل عدم توسعه ی احزاب سیاسی در ایران مشکلات مالی آنها می باشد می توان چنین نتیجه گرفت که پرداخت یارانه و کمک های دولتی به احزاب ، می تواند به توسعه ی فرهنگ تحزب و رشد و توسعه ی احزاب در کشور کمک شایانی بنماید.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۰)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی، قم : اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اردشیر، امیرارجمند (۱۳۸۴)، تقریرات درس حقوق اداری تطبیقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- اصفهان، راغب (۱۳۶۲)، المفردات ، تهران ، المکتبه المرتضویه ایوبی، حجت اله (۱۳۹۰)، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، انتشارات سروش
- بشیری، حسین (۱۳۷۴)، جامعه شناسی سیاسی ، تهران ، نشر نی
- بشیری، حسین (۱۳۸۴)، آموزش دانش سیاسی، تهران ، نشر نگاه معاصر
- خلیلی، محمدعلی (۱۳۳۰) فرهنگ عربی به فارسی ملخص از المنجر و منتهی الارب، تهران، علی اکبر علمی
- دوورژه ، موریس (۱۳۵۷)، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علوم، تهران، امیرکبیر
- روبرت، میخلز (۱۹۷۱)، احزاب سیاسی، ترجمه حسن پویان، تهران
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، مبانی علم سیاست، تهران، نشر نی
- عبدالحمید ابوالحمد (۱۳۷۶)، مبانی سیاست، چاپ هفتم، تهران ، انتشارات توس
- فیرحی، داود (۱۳۹۶)، فقه و حکمرانی حزبی ، تهران ، نشر نی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مهاجری ، مسیح (۱۳۹۷)، جاودانه ی تاریخ ، ج ۶، تهران ، دانشیاران ایران
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، احزاب سیاسی و نظام های حزبی، تهران، گستره
- عیوضی، رحیم (۱۳۹۵)، «جایگاه تحزب در اسلام»، فصلنامه سپهر سیاست، دوره سوم، شماره ۱۰

۲۵۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

مرکز مالمیری، احمد، رحمن قهرمانپور بناب (۱۳۸۲) «بررسی راه های اعطای کمک های مالی دولتی به احزاب»، فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۳۸

Edited by wolfgang Sachsen oder, virike E, frings, "political party systems and democratic development in east and southeastasia", aldershot: ashgate, 1998
vol, 1, p, 208.

Wolfgang C. Muller and Marthe Narud (Editors), Party Governance and Party Democracy, 2003, p2.